

بخش سوم



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در سر تکامل لباس ایرانیان در ادوار مختلف

بی‌تردید ایرانیان با لباس‌های ترمه، زرریافت و مخمل خود، نظر جهانیان را به خود جلب می‌نمودند.

*دوران مادها- جامه در دوران مادها

تاریخ سیاسی و جغرافیای ماد: قلمرو حکومت مادها به اندازه‌ای گسترده بود که حدود شمالی آن به دریای خزر، از جانب شمال غربی به آذربایجان، از شرق به صحرای لوت و از غرب به جنوب ایالات سرحدی آشور- کرمانشاهان- می‌رسید. این قلمرو را امروز می‌توان به صورتی که نزد اکثر صاحب‌نظران پذیرفته شده است، تقسیم بندی نمود یعنی «ماد بزرگ» و «ماد کوچک»

*ماد بزرگ: ماد سفلی دارای دو ناحیه بود.

الف- ناحیه همدان (هگمتانه) شامل حوضه آبریز دریاچه حوض سلطان، دریای نمک رودخانه ابهرچای و قره‌سو و قمرود. نواحی ری باستان و دامنه‌های حاصلخیز جنوبی البرز که قبایل ماد و ساکنان این منطقه از نظر فراهم بودن موقعیت کشاورزی و زراعی جنبه حیاتی داشت. این ناحیه پوشیده از تپه‌ها و محدود در میان دو رشته کوه بود که در جنوب شرقی آن خط بیابان‌های شوره‌زار دشت کویر قرار داشت.

ب- ناحیه اصفهان (پارتاکنا) حوالی زاینده رود و

ناحیه شمالی دشت کویر و شهرستان‌های سمنان و دامغان ه در زمره نقاط تابع ماد سفلی محسوب می‌شدند. (تاریخ جامع ایران، جلد اول، صفحه ۴۱۴)

۲- ماد کوچک: ماد علیا که منطبق بر ناحیه آذربایجان امروزی بود و یونانیان آن را «ماد آتروپاتن» می‌نامیدند.

ماد علیا شامل نواحی خوی، مرند، دره قره‌سو، نواحی اطراف دریاچه ارومیه، دره قزن‌اوزن، بخش علیای رود زاب کوچک، دیاله و کرخه بود که در حال حاضر استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، کردستان را در برمی‌گیرد.

جامه در دوران مادها

چون درباره جامه دوره ماد، مدارک کافی به دست نیاوردیم، مطلب مختصری را که مرحوم پیرنیا (مشیرالدوله) در تاریخ ایران باستان به آن اشاره کرده و مطالبی از کتاب دکتر گیرشمن و مجله باستان‌شناسی نقل می‌شود. پیرنیا در ذکر آثاری که از دوره ماد به جا مانده صورت مردی که بر سنگ کنده شده اشاره می‌کند.

«نزدیک سرپل زهاب دخمه‌ای موسوم به مقبره سنگی دکان داود است. در اینجا صورت مردی برجسته در سنگ کنده شده که این مرد لباس مادی بر تن دارد و در حال عبادت ایستاده

است.» (کتاب ایران باستان، تالیف حسن پیرنیا، صفحه ۲۲۱، چاپ سوم) در همین کتاب لباس مادی چنین توصیف می‌شود «این مطلب ناگفته نماند که شاهان هخامنشی چیزهای زیادی از ماد اقتباس کرده‌اند و همین نکته که بسیاری از تزئینات دوره هخامنشی شبیه دوره مادی بوده، یکی از جهاتی است که نمی‌توان تحقیقاً معلوم کرد از چیزهایی که در دوره هخامنشی می‌بینیم کدامیک مادی و کدامیک هخامنشی است. فقط در موارد کمی می‌دانیم که اقتباس پارسی‌ها از مادها چه بوده است.

مثلاً هردوت و استرابون نوشته‌اند که پارسی‌ها شکل لباس را از مادها اقتباس کرده‌اند.

بنابراین تصور می‌شود که کلاه نم‌دین، قبای آستین‌دار و کفش‌های پارسی‌ها، اقلامی است که از مادها اقتباس شده است.» (ایران باستان، صفحه ۲۲۲، چاپ سوم)

دکتر گیرشمن در مورد لباس سکایی در دوران مادی از روی تصاویری که بر الواح سنگی حکاکی و در ناحیه لرستان کشف شده، چنین می‌نویسد «صرف‌نظر از چند اختلاف جزئی، ما در اینجا المثنی هنر لرستان را داریم که همان صور را نشان می‌دهد. بینی آنها در ردیف پیشانی جلو برده شده، بدون چانه، کلاهی کوچک که به قفا کشیده



تصاویر ۳ و ۴- نمونه‌ای از لباس یک مادی از روی نقش برجسته آشوری در حال دادن پیشکش به پادشاه آشور

نشان می‌دهد که لباسی شبیه هیت‌ها در بر دارد؛ یعنی فقط یک پارچه چین‌دار که اطراف کمر پیچیده شده، با قیطان یا نواری نگهداری شده و دارای دامن باز می‌باشد این دامن در طول بدن به طور مستقیم کشیده شده و تا روی زانو می‌رسید، کناره‌های آن معمولاً به وسیله حاشیه‌های ساده تزئین شده و شاید این نوارها دستتاف باشند و یا این که نوارهای طلایی ضخیم کنده شده باشد که شبیه آن را هیت‌ها نیز به کار می‌بردند.

بعضی دیگر، زیر جامه‌ای را که تا نصف ران می‌رسید، می‌پوشیدند که محکم به کمر بسته می‌شد. لباس شاه آستین کوتاه است، ملازمان او یک جبه مناسب تا قوزک پا می‌رسد و در قسمت گردن دایره‌وار بریده شده است و به‌طور مورب از یک طرف شانه به طرف دیگر محکم شده است؛ پوشیده‌اند و ظاهراً علاوه بر این یک دامن گشاد نیز پوشیده‌اند. آستین‌ها با بالاتنه یک تکه است و به اصطلاح آستین سر خود می‌باشد که با جبه دیگری با کمر بند پارچه‌ای به دور کمر بسته می‌شد و در ناحیه کمر به طرف بالا برمی‌گردد، روی کمر نیز یک کمر بند محکم دیده می‌شود.

انواع فرم‌های شاهانه را با نوارهای متعددی آراسته‌اند که این نوارها به طرف شانه‌ها امتداد می‌یابند و بعد به طرف کمر پایین می‌آیند و در آنجا به ترتیب دور لبه‌ها و حاشیه‌دوزی‌ها را احاطه می‌کنند.

مویی که پشت گردن می‌بافند، معمولاً فر زده است و گاهی با یک روبان در روی پیشانی بسته می‌شد و



تصویر ۲- کمر بند زرین دوره مادی

و جامه‌هایی که با الوان مختلف قلاب‌دوزی شده بود، داشته باشند. صورت ظاهر مردم طبقه سفلی را باید از تصاویری که در نقوش برجسته آشوری دیده می‌شود، قضاوت کرد. مردان دارای سبیل و ریش هستند، پوست حیوانات بر جامه خود افکنده‌اند، کفش آنها بلند، بندی و با پنجه برگشته است.»

درباره شکل لباس در دوره ماد و تأثیر آن در سایر نقاط و دوره‌ها مطالب جالبی در مقاله «تحول لباس در ایران» در مجله باستان‌شناسی نوشته شده که مختصری از آن نقل می‌شود «در پیکر روسای ماد که روی سنگ قبرهایشان تصویر شده است، عموماً دارای کت تنگی هستند که به شکل قبا تا مچ پایشان می‌رسید. یک نوع لباس دیگر که اغلب در عیلام استعمال شده است، همان لباس زمان آشوری است که بعدها تغییر صورت پیدا کرد. کلاه نوعی کلاه گرد ساده نمدی است که با کلاه‌های هخامنشی قابل مقایسه می‌باشد. قسمت جلوی آن (پیشانی کلاه) اندکی جلو آمده‌تر است و در پشت سر آن، روی لبه دنباله‌ای دوخته شده است، زائده دیگری نیز پشت گردن را می‌پوشاند. هر دو ت و استرابون نوشته‌اند که پارسی‌ها شکل لباس را از مادها اقتباس کرده‌اند، بنابراین تصویر کلاه نم‌دین و قبای آستین‌دار و کفش‌های پارسی از مختصات مادها می‌باشد.»

گرنفون در مورد لباس کوروش می‌نویسد «کوروش، لباس مادی را اقتباس کرد و نزدیکان خود را بر آن داشت که این لباس را بپوشند. حسن لباس مذکور این است که معایب بدن را می‌پوشاند و اشخاص را بزرگتر و شکیل‌تر می‌نماید، کفش‌های مادی چنان ترتیب داده شده بود که شخص می‌توانست در آن چیزهایی بگذارد تا بلندتر بنماید بی‌آنکه کسی ملتفت آن شود.»

پیکرهای کنده کاری شده برنزی لرستان، مردی را

کوروش، لباس مادی را اقتباس کرد و نزدیکان خود را بر آن داشت که این لباس را بپوشند. حسن لباس مذکور این است که معایب بدن را می‌پوشاند و اشخاص را بزرگتر و شکیل‌تر می‌نماید، کفش‌های مادی چنان ترتیب داده شده بود که شخص می‌توانست در آن چیزهایی بگذارد تا بلندتر بنماید بی‌آنکه کسی ملتفت آن شود

شده، جامه‌ای طویل که به وسیله کمربندی فشرده گردیده است.» (کتاب ایران از آغاز تا اسلام، تألیف دکتر گیرشمن، ترجمه دکتر معین، صفحه ۹۹) چون هنر آشوری و سکایی بنا به گفته دکتر گیرشمن، بر مادها تأثیر گذاشته، مادها در زمان تشکیل تمدن خویش، می‌بایست دائماً با آنها در تماس باشند و ما می‌دانیم که هنر سکایی به اندازه هنر آشوری در هنر خاص مادها تأثیرگذار بوده است. (کتاب ایران از آغاز تا اسلام، تألیف دکتر گیرشمن، ترجمه دکتر معین، صفحه ۱۰۰)

می‌توان از این مطلب و تصاویر پیدا شده طرحی از لباس مادها را در نظر گرفت.

درباره جامه مادی مطلب دیگری نیز در کتاب دکتر گیرشمن آورده شده که برای نشان دادن وضع لباس در این دوره، نوشته گویایی است. «مادها از لحاظ هنری، مانند سکاکیان و کمیریان می‌بایست سلیقه‌ای برای ساختن اسلحه کاملاً مزین، ساز و برگ مزین اسبان، ظروف مصنوعی از فلزات گرانبها



تصویر ۱- دو نفر که جامه بلند پوشیده‌اند، مادی هستند



پایان عهد حجر صیقلی است. در این دوره زنان و مردان، علاقه به خودآرایی داشتند. آنان گردنبندهایی از صدف می‌ساختند و حلقه انگشتری و دستبند را از صدف‌های بزرگ یا سنگ‌های نرم می‌ساختند. احتمالاً خالکوبی و حداقل آرایش هم معمول بوده است و مواد آن را به کمک دسته هاون کوچکی در هاون‌های ظریف نرم می‌کردند.

حکومت مادها

تا صد سال پیش برای نوشتن تاریخ ماد، جز نوشته‌های مورخان بیگانه و مخصوصاً مولفان یونانی، چیزی در دست نبود ولی از یک قرن پیش تا امروز، در نتیجه تلاش باستان‌شناسان، هزاران سند کتبی و آثار ارزنده تاریخی از زیر خاک به دست آمده است. اگرچه این آثار مستقیماً مربوط به تاریخ ماد نیست و از تاریخ بابل و آشور و دیگر کشورهای شرق نزدیک، حکایت می‌کند، باز هم کم و بیش در روشن کردن تاریخ امپراتوری ماد موثر است زیرا مادها تنها قبیله آریایی بودند که در سایه اتحاد، امپراتوری بزرگ آشور را برای همیشه شکست دادند و اقوام و قبایل بسیاری را از قید اسارت آشوریان متجاوز و ستمگر رهایی دادند.

با این‌که کتیبه‌ها و اسناد تاریخی آشوریان برای روشن شدن نام و تجلیل جهانگشایان آشوری تنظیم شده و غالباً شکست‌ها و ناکامی‌هایشان را با خاموشی برگزار کرده و در وصف فتوحاتشان، طریق اغراق می‌پیمایند، معه‌ذا می‌توان به آسانی هسته حقیقت تاریخی را از آن جدا کرد و تا حدی به احوال اقوام و قبایلی که با آشوریان در جنگ و ستیز بودند، واقف شد.



تصویر شماره ۶- پیادگان ایرانی- از نقاشی‌های برجسته تخت جمشید

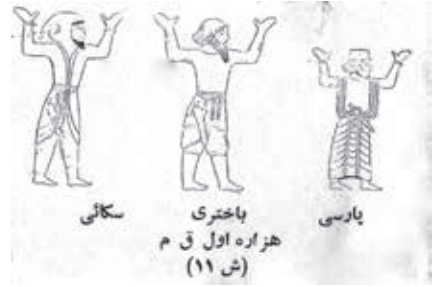
ایران و ملت‌های برادر ساکن در آن حکومت راندند.

هنر ایران

پروفسور پوپ می‌نویسد «در طول مدتی بیش از ۶۰ قرن، مردمی که در فلات ایران زندگی می‌کردند، اندیشه و فنونی پدید آوردند که موجب بقای بشر و مایه تعالی مقام انسانی شد. فنون کشاورزی، فلزکاری و مبانی اندیشه‌های دینی، فلسفی و نوشتن

علم اعداد، نجوم و ریاضی از سرزمینی که امروز «خاورمیانه» خوانده می‌شود؛ آغاز گشت و سرچشمه بسیاری از این امور فرهنگی در فلات ایران بود...» پیشه‌ورانی که نقش سفالینه‌ها را در ۵۵۰۰ سال پیش از این ابداع کردند، خاک رس را برای آنکه نرم کنند، می‌سایند و اغلب الک می‌کردند. سفالگران هنوز آن چرخ‌های پایی تند حرکت را که کاشی‌سازان زمان‌های بعد اشکال متوازی و قرینه را با آنها می‌ساختند، نداشتند. ابزار کار آنها فقط چرخ‌ی بود که روی آن با دست، ظرف را گرد می‌کردند. وجود این چرخ‌ها بی‌شک بهتر از آن بود که هیچ وسیله‌ای برای چرخاندن توده گل رس وجود نداشته باشد البته کافی نبود با این حال لیوان‌ها را متناسب و دیواره آنها را به نازکی مقوا از کار در می‌آوردند، سپس سطح خارجی لیوان‌ها را با لعاب گلی و نقوش ساده می‌آراستند. آن‌گاه ظروف را در کوره می‌گذاشتند که میزان حرارت آن با وسایل ابتدایی تنظیم می‌شد. این پیشه‌وران ماهر و شکیبا موفق می‌شدند ظرف‌های ظریف خود را (بدون آن‌که تغییر شکل بدهد)، در این کوره‌ها بپزند؛ به‌طوری‌که مانند ظروف چینی صدا بدهد. نقش‌ها برحسب درجه حرارت به رنگی از بنفش تند تا سیاه در می‌آمد و براق می‌شد. شکل ظرف‌های سفالی قدیم اغلب از شکل ظرف‌هایی که با مواد دیگر مانند چوب و حصیر ساخته شده بود و بشر هزاران سال پیش از آنکه سفال‌سازی را اختراع کند، آنها را به کار می‌برد، تقلید می‌شد. پس از گذشت چندین قرن، کوزه‌گران شکل‌های ظروف سفالین را مستقلاً و به صورتی که مواد و اسلوب فنی صنعتی‌شان اقتضا می‌کرد، تکمیل کردند.

به عقیده دکتر گیرشمن، این عهد در ایران درست



تصویر ۵- سه صورت پارسی، باختر و سکایی میانه

با یک تاج مرصع بالا نگهداشته شده است. این تاج به صورت تکامل یافته باشلق است و شاید از ادامه یک فرم محلی قبلی بوده است.

جالب توجه این‌که در این دوره زنان و مردان از حیث لباس، تفاوتی نداشتند و این خود بهترین دلیل برای رشد فکری مردم از لحاظ تساوی زن و مرد در اجتماع می‌باشد چه با توجه به مقدمه‌ای که در مورد علل تغییر لباس ذکر شد، نتیجه می‌گیریم که زنان و مردان دوش به دوش هم کار می‌کردند و زنان نیز در فعالیت‌های اجتماعی و کارهای روزمره با مردان همکاری داشتند و اگر غیر از این بود به مقتضای کاری که داشتند، لباسشان نیز تغییر می‌کرد.

بعد از سقوط نینوا (۶۱۲ قبل از میلاد) تجمل و تشریفات آشوری‌ها با تمدن آنها به داخل ماد نفوذ کرد و فرم لباس‌های درباری آشوری متداول گشت. جبهه‌ها پیش‌تر نرم پیدا کردند و بلندی آنها تا قوزک پا می‌رسید، آستین‌ها بسیار پهن شده و در موقع جنگ، سواری و شکار، این لباس‌ها با یک کمر بند به بالا انداخته و محکم بسته می‌شد. درازای لباس مانع از حرکت بدن سوار بر اسب نمی‌شد و از چابکی و چالاک‌ی سوارکار کم نمی‌کرد که این خود یکی از عوامل تغییر و تطور لباس است که قبلاً به آن اشاره شد. کلاه عبارت بود از تاج کوتاهی که گاهی ساده، گاهی مرصع و گاه به صورت مقرنس دندانه‌دار بود.

دوران مادها که اجداد هموطنان کرد ما بوده‌اند، مدت‌ها برکشور حکومت کردند و یکی از پرشکوه‌ترین ادوار تاریخ ایران را شکل دادند.

ملت شرافتمند کرد که یکی از ملت‌های برادر در میهن کثیرالمله ما - ایران - می‌باشند، مانند فارس‌ها، پارت‌ها و ... چندین بار به نوبت بر سرزمین مقدس

علائم نخستین تقسیم مهم و اجتماعی کار، تقسیم کار میان شبان پیشه و زراعت پیشه پدید آمده بوده. در دامنه کوه‌ها از جوی‌ها برای آبیاری استفاده می‌شد و برای نخستین بار غلات اهلی شده - احتمالاً جو و گندم وحشی و گندم - کشت می‌شد

انسان بدوی در سرزمین ماد

در این که انسان در چه زمان سرزمین ماد را مسکون ساخت و نخستین بار بدانجا گام نهاد اطلاعات در دست نیست ولی تا این اندازه دانسته است که در عصر قدیم حجر (یا پالوئیت) آدمیزادگان در آن خطه زندگی می‌کردند و تا کنون آثار قابل اعتمادی از عصر نئولیت (عصر جدید حجر) در خاک ماد دیده نشده است.

درباره جامعه ماد در عصر حجر و مس می‌توان از روی نتایج حفاری‌های تپه حصار نزدیک دامغان و تپه گیان نزدیک دماوند و تپه سیلک نزدیک کاشان و گوی تپه نزدیک رضاییه کرانه غربی دریاچه ارومیه داوری کرد. جمله این نقاط در نواحی مرزی ماد قرار گرفته‌اند. در نواحی شمالی و مرکزی ماد تا کنون حفاری‌های منظم به عمل نیامده است.

قدیمی‌ترین قشرهای تپه‌های مزبور (از لحاظ باستان‌شناسی) را می‌توان به دوره پایان هزاره چهارم و آغاز هزاره سوم قبل از میلاد مربوط دانست. در آن عصر سرزمین ماد به آن چه اصطلاحاً خطه تمدن سفالینه ملون نامیده می‌شود و از سوریه و فلسطین تا آسیای میانه و چین ممتد بوده تعلق داشته است.

علائم نخستین تقسیم مهم و اجتماعی کار، تقسیم کار میان شبان پیشه و زراعت پیشه پدید آمده بوده. در دامنه کوه‌ها از جوی‌ها برای آبیاری استفاده می‌شد و برای نخستین بار غلات اهلی شده - احتمالاً جو و گندم وحشی و گندم - کشت می‌شد.

فراوانی تصاویر دام‌های بزرگ و شاخدار و گوسفندان که بر ظروف آن دوران دیده می‌شود از اهمیت خاص دامداری حکایت می‌کند. در نواحی زراعی نقاط مسکون دائمی ایجاد گشت. برخی مصنوعات مسین پدید آمد. مجموع این پیشرفت‌ها اجازه داد که پیشه نساجی و کوزه‌گری ترقی بسیار

کند. به تدریج شرایطی برای انتقال به دومین دوره مهم تقسیم اجتماعی کار - یعنی تقسیم به پیشه و زراعت - فراهم آمد. تزیینات پیچ در پیچ هندسی ظروف از خصوصیات این دوره به شمار می‌رود که در طی آن مصنوعات کوزه‌گران و نساجان زمینه اصلی هنرنمایی و آفرینش هنری بوده است.

قدیمی‌ترین ساکنان ماد و فلات ایران، از لحاظ مردم‌شناسی سیه‌چرده و درازکله و از خمیره شبه اروپایی کرانه دریای مدیترانه بودند که اکنون نیز در خراسان و آذربایجان زندگی می‌کنند و بسیار دیده می‌شوند.

از آثاری که به زبان سومری و اکدی و هوریانی در دست است چنین مستفاد می‌گردد که در هزاره سوم قبل از میلاد در کوهپایه‌های غربی زاگرس و آنجایی که بعدها ماد غربی را تشکیل می‌داد قبایل هوریان و لولوییان و کوتیان و ظاهراً قبایل دیگری که با عیلامیان قرابت داشتند زندگی می‌کردند و در هزاره دوم قبل از میلاد کاسیان.

به عقیده دیاکونوف، دلیلی برای نقل و انتقالات مهم توده‌های یک نژاد از نقطه‌ای به نقطه دیگر نیست بدین سبب می‌توان گفت که ترکیب نژادی مردم آن سرزمین بر روی هم از هزاره سوم تا آغاز هزاره اول بدون تغییر بوده است و مردم سراسر آن ناحیه از دریاچه ارومیه تا بخش علیای دیاله از نژاد «کوتی» و «لولوبی» بوده‌اند. مدارک مربوط به میزان رشد نیروهای تولیدی قبایل مزبور اندک است معهداً با اطمینان می‌توان گفت که دامداری و پرورش اسب در میان آنان، رشد بسیار خوبی داشت و در دامنه کوه‌ها نیز زراعت بسیار پر رونق بوده است.

با فلزکاری و تولید مفرغ نیز آشنا بودند ولی آهن در آغاز هزاره اول به تدریج در آن ناحیه نفوذ کرد. جلد اول کتاب تاریخ اجتماعی ایران (با عنوان «تاریخ کهن ترین ملل باستانی از آغاز تا اسلام» تألیف مرتضی راوندی)

«درباره سازمان اجتماعی قبایل مزبور می‌توان فرض‌هایی کم و بیش محتمل به عمل آورد و اینان مسلماً از لحاظ رشد اقتصادی یکسان نبودند. منابع

آشوری آن زمان از واحدهای جزء و خرد سیاسی و جغرافیایی یاد می‌کنند ولی نامی از اینکه مردمان مردمان فلان و یا بهمان محل به کدام قبیله بزرگ منسوب بوده‌اند به میان نمی‌آورند. با این حال جالب توجه است که منابع آشوری - مثلاً - فقط از مادای یا اتحادیه ماد صحبت می‌دارند و از قبایل ماد جدا جدا سخنی نمی‌گویند، و اسامی قبایل مزبور را ما فقط در آثار هروودوت می‌یابیم. اما از اتحادیه قبایل ماد در نیمه دوم قرن نهم قبل از میلاد در منابع یاد شده است و در آن هنگام محل آن را در مشرق ماد آینده و تا حدی در بخش مرکزی آن قلمداد کرده‌اند. اگر بگوییم که در پایان هزاره دوم و آغاز هزاره اول قبل از میلاد در ماد غربی جامعه در آستانه روابط طبقاتی - تجزیه پیشه‌ها از زراعت که مقدمه پیدایش جامعه طبقاتی است - قرار داشته، چندان اشتباه نکرده‌ایم.

روابط مزبور در متکامل‌ترین نواحی آن سرزمین برقرار شده یا در شرف استقرار بود. در نواحی کوهستانی و دیگر نقاط عقب مانده فقط اثری از روابط یاد شده پدید آمده بود و یا به طور کلی هنوز سازمان جماعت بدوی در آن جا حکمفرما بود. اما راجع به ماد شرقی تا پایان قرن نهم قبل از میلاد تقریباً هیچ مدرک و اطلاعی راجع به آن در دست نداریم. ولی از روی مقایسه با زمان بعد می‌توان حدس زد که ناحیه مزبور نسبت به بخش غربی بسیار عقب مانده و روابط اجتماعی و دوران جماعت بدوی کاملاً در آن حکمفرمایی می‌کرد.

با این حال در بعضی نقاط ناحیه شرقی نیز زراعت توسعه می‌یافت و آن هم نه به یاری کلوخ کوب بدوی، بلکه حتی در هزاره سوم قبل از میلاد هم از وسیله‌ای شبه گاوآهن که به وسیله دام کشیده می‌شد استفاده می‌گشت.

اکتشافات باستان‌شناسی از تکمیل اسلحه دفاعی و تهاجمی و توسعه مبادله میان قبایل حکایت می‌کند. در گورستان‌ها، گورهای عظیم پیشوایان میان گورهای کوچک افراد عادی به چشم می‌خورد و این خود دلیل آغاز پیدایش اختلاف در میزان مال و منال است. (دیاکونوف، ۱۳۸۶، تلخیص ۹۵-۱۳۳)